



### درس هفتم - سبک و سبک شناسی

تنظیم: محمد فتاحی از مرند

تعریف **سبک**: سبک در اصطلاح ادب، شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی است.

تعریف **سبک شعر**: به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد «سبک شعر» می‌گویند.

تعریف **سبک شخصی**: شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر را «سبک شخصی» گویند.

به تعداد شاعران و نویسندگان سبک وجود دارد. اما شباهت‌های سبک شخصی باعث می‌شود که در یک دسته طبقه بندی شوند.

طبقه بندی سبک بر اساس دیدگاه‌های گوناگون شکل گرفته است. و در این کتاب به دو نظریه می‌پردازیم:

نظریه اول: نظریه ارسطو      نظریه دوم: نظریه استاد بهار

نظریه اول، نظریه ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی است که سبک را بر اساس معیارهای زیر طبقه بندی کرده است:

۱- بر اساس نام شاعر یا نویسنده: مانند سبک حافظ، سبک مولوی، سبک بیهقی و سبک سهروردی

۲- بر اساس زمان و دوره اثر: مانند سبک دوره صفوی، سبک دوره انقلاب

۳- بر اساس موضوع و نوع: مانند سبک عرفانی، سبک حماسی

۴- بر اساس محیط جغرافیایی: مانند سبک آذربایجانی، سبک خراسانی

۵- به تناسب مخاطب: مانند سبک عامیانه، سبک عالمانه



۶- براساس هدف: مانند سبک تعلیمی، سبک فکاهی

۷- براساس قلمرو دانشی: مانند علمی، فلسفی

براساس **نظریه ارسطو** اگر بخواهیم **شاهنامه** را در این طبقه بندی جای دهیم باید بگوییم

براساس نام شاعر: سبک فردوسی / براساس زمان و دوره اثر: سبک غزنوی / براساس موضوع و نوع: سبک حماسی / براساس محیط جغرافیایی: سبک خراسانی / به تناسب مخاطب: سبک عامیانه-عالمانه / براساس هدف: سبک تعلیمی / براساس قلمرو دانشی: اسطوره و تاریخ

استاد محمد تقی بهار سبک شعر را از سبک نثر جدا کرده و برای شعرش نوع سبک در نظر گرفته است:

۱- سبک خراسانی یا ترکستانی (از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم) ۲- سبک عراقی (از قرن هشتم تا قرن دهم)

۳- سبک هندی (از قرن دهم تا سیزدهم) ۴- دوره بازگشت (در تمام طول قرن سیزدهم)

۵- دوره مشروطه ۶- دوره معاصر. این تقسیم بندی بر مبنای حوزه جغرافیایی و تاریخی شعر و بعضی از مکتب‌ها و سبک‌های فرعی را نیز به آن افزود. تقسیم بندی بهار از نثر:

۱- دوره سامانی (۳۰۰ تا ۴۵۰ ه.ق) ۲- دوره غزنوی و سلجوقی اول (۴۵۰ تا ۵۵۰ ه.ق)

۳- دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، نثرفنی (۵۵۰ تا ۶۱۶ ه.ق) ۴- دوره سبک عراقی، نثر مصنوع (۶۰۰ تا ۱۲۰۰)

۵- دوره بازگشت ادبی (۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ ه.ق) ۶- دوره ساده نویسی (۱۳۰۰ ه.ق تا امروز)

#### \*نکته

مکتب‌ها و سبک‌های ادبی معمولاً محصول اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... زمانه‌ای است که صاحبان آن مکتب‌ها و سبک‌ها در آن می‌زیسته‌اند.

#### سبک‌شناسی دوره اول / شعر

نخستین آثار نظم فارسی بعد از اسلام، ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ (خراسان کنونی و افغانستان و تاجیکستان، ماورالنهر و ترکستان) پدید آمد. به سبک این آثار، «سبک خراسانی» گفته‌اند و به علت آن که اوج آن در زمان سامانیان بوده است، آن را «سبک سامانی» هم نامیده‌اند. از سوی دیگر سبک خراسانی بر حسب زمان، به سه سبک فرعی سامانی، غزنوی و سلجوقی تقسیم می‌شود که ویژگی‌های مشترکی دارند. سبک دوره سلجوقی را باید سبک بینابین نام نهاد؛ زیرا ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد. از شعرای معروف سبک خراسانی می‌توان به رودکی، فردوسی، ناصر خسرو و ... اشاره کرد.

هر اثر شعری را در سه قلمرو، می‌توان بررسی کرد: زبانی، ادبی و فکری

**ویژگی‌های شعر سبک خراسانی در سه قلمرو:**

الف) زبانی ۱- سادگی زبان شعر ۲- کم بودن لغات عربی - به جز اصطلاحات دینی و علمی - و لغات بیگانه در مقایسه با دوره‌های بعد ۳- تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز مثلاً، یک-هزار / یک-هزار ۴- کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره‌های بعد، گبر - جوشن - پروز ۵ - استفاده از دو حرف اضافه برای یک متمم



نمونه:

چو رستم سلیح نبردی بدید      برافشاند و باد از جگر برکشید  
چنین گفت: کای جوشن کارزار      برآسودی از جنگ یک روزگار  
کنون کار پیش آمدت سخت باش      به هر کار پیراهن بخت باش  
چنین رزم گاهی که غران دو شیر      به جنگ اندرآیند هر دو دلیر

(ب) ویژگی ادبی

۱- قالب عمده شعر این دوره، قصیده است؛ قالب‌های مسمط، ترجیع بند، مثنوی و غزل در این دوره شکل می‌گیرد.  
۲- اعتدال در کاربرد آرایه‌های ادبی؛ ۳- سادگی ردیف و قافیه؛ ۴- تشبیه حسی در توصیف پدیده‌ها.

نمونه:

دلا تاکی همی جویی منی را      چه جویی دوست هرزه دشمنی را  
دل من ارزنی عشق تو کوهی      چه سایبی زیر کوهی ارزنی را؟  
رودکی

(ج) فکری

۱- روح شادی و نشاط و خوش باشی در شعر غلبه دارد؛  
۲- شعر واقع گراست و توصیفات عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است؛  
۳- معشوق عمدتاً زمینی است؛ ۴- بیشتر روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است؛  
۵- اشعار پندآموز و اندرز گونه این دوره، ساده است و جنبه عملی و دستوری دارد؛  
۶- مضمون عمده اشعار این سبک، حماسه، مدح و اندرز و ... است  
۷- فکر و کلام ساده است؛ یعنی هنوز با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و اندیشه‌های فلسفی در نیامیخته است

نمونه:

هنگام بهار است و جهان چون بت فرخار      خیزای بت فرخار بیار آن گل بی خار  
آن گل که مر او را بتوان خورد به خوشی      وز خوردن آن روی شود چون گل بر بار  
در سایه گل باید خوردن می چون گل      تا بلبل قوالت برخواند اشعار  
مرکز نشود دایره، وان قطره باران      صد دایره در دایره گردد به یکی بار

### نثر دوره اول

نثر این دوره در دو شاخه بررسی می‌کنیم؛ دوره سامانی، دوره غزنوی و سلجوقی.

**الف) دوره سامانی**



برخی از ویژگی‌های نثر این دوره عبارت‌اند از:

- |  |   |
|--|---|
| ۱- ایجاز و اختصار در لفظ و معنا                  | ۲- تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی             |
| ۳- کوتاهی جملات                                  | ۴- لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد |
| ۵- افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی |   |

محتوای نثرهای این دوره، بیشتر علمی است. گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود. از نمونه‌های موفق این گونه نثر، می‌توان ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم و شاهنامه منثور ابومنصوری را نام برد.

نمونه‌ای از تاریخ بلعمی

«پس ولید کس فرستاد و حسین را بخواند. حسین دانست که او را از بهر چه خواند پنجاه مرد با سلاح با خویشتن ببرد و گفت: شما به در بایستید و سخن مرا گوش گوش دارید؛ اگر کار دیگرگونه بود خویشتن رابه سرای اندر افکنید تا بکشیم... پس حسین علی پیش وی اندر آمد. ولید او را بر کرد و نامه یزید بروی خواند. حسین گفت: این نامه یزید به چهار تن آمده است، همه را بخوان تا یکجا بیعت کنیم. ولید گفت: روا باشد. حسین برخاست، و مروان گفت: یا ولید، این را بکش و مهل که بیرون شود. حسین آن سخن مروان بشنید، گفت: ای مروان تو مرا نتوانی کشتن و نه ولید. و بیرون آمد...»

**(ب) دوره غزنوی و سلجوقی**

برخی از ویژگی‌های نثر این دوره عبارت‌اند از:

- |                            |  |
|----------------------------|--|
| ۱- اطناب (جمله‌های طولانی) | ۲- تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار |
| ۳- حذف افعال به قرینه      | ۴- افزایش کاربرد لغات عربی                 |

از آثار نثر این دوره: تاریخ بیهقی، قابوسنامه سفرنامه ناصر خسرو، سیاست نامه، کیمیای سعادت و کشف المحجوب «تاتوانی از نیکی کردن میاسا و خود را با نیکی و نیکوکاری به مردمان نمای و چون نمودی به خلاف نموده مباش.»

به زبان دیگر، مگو و به دل دیگرمدار تا گندم نمای جو فروش نباشی و اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد. « قابوس نامه